**آثار انجمن ادبی فرهنگستان: زندگی انسان**

**سمیعی، حسین**

ای کز پی طول عمر هر سوی‏ مرغ هوس و هوا پراندی‏ بس نخل امید و آرزو را در باغ خیال پروراندی‏ هر آدم سالخورده دیدی‏ او را پی مشورت نشاندی‏ پس کار رژیم زندگی را سوی کلینیک‏ها کشاندی‏ دستور ز دکتران گرفتی‏ برنامهء اکل و شرب خواندی‏ در مزرع خشک عمر موهوم‏ تخم تروتازه برفشاندی‏ \*\*\* گیرم که دویست سال دیگر خوشبخت در این جهان بماندی‏ هر جای که در شدی بعشرت‏ هرگونه بساط گستراندی‏ هر عیش که خواستی بکردی‏ هر کام که داشتی براندی‏ اما بنگر که با چنین عمر از خود چه اثر بجای ماندی‏ یک دل بنوازشی ربودی‏ یک تن ز بلیتی رهاندی؟ دستی ز فتاده‏ای گرفتی‏ خیری برسیدای رساندی؟ بر برهنه پوششی فکندی‏ بر گرسنه لقمه‏ای خوراندی؟ یک قطره بحلق تشنه کامی‏ از شربت فیض خود چکاندی؟ \*\*\* گر عمر چنین رود که گفتم‏ پاداش خود از خدا ستاندی‏ ورنه بعذاب جاودانی‏ بیچاره و ناامید ماندی